

-

فرشته رحیمی الماسی\*\*

حسن ولی بیگی\*

مزیت نسبی / صنعت فاستونی / هزینه منابع داخلی / مزیت نسبی آشکار شده /  
آزادسازی تجاری

### چکیده

هدف این مقاله اندازه گیری و تجزیه و تحلیل مزیت نسبی صنعت فاستونی کشور (به عنوان یکی از زیر بخش های صنعت نساجی) طی دوره زمانی ۸۰-۱۳۷۵ است. بدین منظور از معیارهای هزینه منابع داخلی (در بکارگیری معیار هزینه منابع داخلی در ارزیابی مزیت نسبی بنگاه ها از روش حسابداری صنعتی استفاده شده است) و مزیت نسبی آشکار شده جهت اندازه گیری مزیت نسبی بهره برده ایم. ضمناً این تحقیق با اصلاح روش محاسبه هزینه منابع داخلی به دنبال برداشتن گامی برای بهبود نتایج حاصل از آن است. نتایج بررسی ها (بر اساس معیار هزینه منابع داخلی) حاکی از آن است که بنگاه های مورد بررسی همگی در تولید پارچه های فاستونی دارای تخصص هستند ولی این تخصص گرایی در تولید در حال کاهش است. با تعدیل هزینه استهلاك در فرمول هزینه منابع داخلی، نتایج حاکی از دستیابی بنگاه ها به مرز عدم مزیت می باشد.

\* پژوهشگر و عضو هیات علمی موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

\*\* کارشناس ارشد مدیریت نساجی

یکی از ابزارهای مهم مورد نیاز برای برنامه‌ریزان اقتصادی و تصمیم‌گیران در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای بویژه در عرصه صنایع، آگاهی از مزیت‌های نسبی بویژه در بخش تجارت خارجی و تلاش در جهت پویاسازی آن و همچنین تبدیل آنها به مزیت رقابتی به منظور موفقیت و حضور مستمر در عرصه رقابت بین‌المللی، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

بدین منظور، صنعت فاستونی بافی به عنوان یکی از بخش‌های مهم صنعت بزرگ نساجی جهت بررسی انتخاب شده است. در این تحقیق در نظر است به سوالات آیا صنعت فاستونی بافی کشور در امر تولید و صادرات از مزیت نسبی بهره‌مند است؟، چه عواملی در تغییر مزیت نسبی این صنعت نقش داشته‌اند؟ و نهایتاً در صورت آزادسازی تجاری آیا آسیب‌های جدی در کوتاه‌مدت و بلندمدت نصیب این صنعت خواهد شد؟ پاسخ مناسبی داده شود. برای این منظور از شاخص‌های تعیین مزیت نسبی (مزیت نسبی آشکار شده و هزینه منابع داخلی) جهت تجزیه و تحلیل استفاده خواهد شد.

به جهت محدودیت در آمار و اطلاعات، تنها ۷ بنگاه فعال در این عرصه که بیشترین سهم بازار را در اختیار دارند برای بررسی در نظر گرفته شده‌اند.

در ادامه، ابتدا ضمن بیان مبانی نظری، روش‌های اندازه‌گیری مزیت نسبی (متدولوژی تحقیق) معرفی شده و سپس نتایج محاسبات و منابع تغییرات مزیت نسبی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند. تعدیل شاخص هزینه منابع داخلی و محاسبه آن برای یکی از بنگاه‌های مورد بررسی بخش بعدی مقاله را به خود اختصاص می‌دهد. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و ارائه توصیه‌های سیاستی بخش پایانی مقاله را تشکیل می‌دهد.

۱-۱.

معیارهای تعیین و تشخیص مزیت نسبی به دو صورت معیارهای قبل از تجارت و پس از تجارت بیان می‌شوند. معیار قبل از تجارت در اکثر اوقات اشاره به معیار نظری مزیت نسبی و بر اساس مقایسه هزینه تولید قبل از انجام تجارت دارد. در معیار پسین، اطلاعات مبادلات خارجی بعد از تجارت مد نظر قرار می‌گیرند. در حالت فوق هزینه‌ها در شرایط وجود تجارت اندازه‌گیری می‌شود. در نتیجه معیار کاربردی تا حدودی از مبنای نظری آن فاصله می‌گیرد. بر همین اساس تعدادی از اقتصاددانان از جمله برونو (۱۹۶۷) و بالاسا (۱۹۶۷) شاخص‌های کاربردی هزینه منابع داخلی و مزیت نسبی آشکار شده را جهت تعیین اندازه‌گیری مزیت نسبی و انتخاب فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها و ... ارائه داده‌اند.<sup>۱</sup>

شاخص هزینه منابع داخلی به عنوان معیار پسین، عبارت از نسبت ارزش سایه‌ای داده‌های خالص داخلی به ارزش سایه‌ای ستانده‌های خالص مبادله شده می‌باشد.<sup>۲</sup> این شاخص برای اولین بار همچنان که قبلاً نیز گفته شد توسط برونو در سال ۱۹۶۷ مطرح گردید. سپس کروگر و برونو (۱۹۷۲)، لوفسکی (۱۹۷۲)، گرین‌اوی و میلنر (۱۹۹۳)، فین (۱۹۹۵)، و پرکینز (۱۹۹۷) با انجام تعدیلاتی آن را بسط دادند.

لیزنر (۱۹۵۸) با استفاده از داده‌های بعد از تجارت مزیت نسبی را برای بازار مشترک اروپا اندازه‌گیری نمود. پس از وی بالاسا (۱۹۶۵) با تعدیل رابطه لیزنر به اندازه‌گیری مزیت نسبی آشکار شده پرداخت. توماس والراس<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) نیز ضمن اشاره به شاخص‌های لیزنر و

۱. اخوی (۱۳۷۳)، ص ۴۵.

۲. فین (۱۹۹۵)

3. Bruno, M. (1972).

4. D. Greenaway & C.R. Milner (1993).

5. F.C. Perkins(1997).

6. H.H. Liesner ( 1958).

7. T.L. Vollrath(1991).

بالاسا آنها را دارای محدودیت‌هایی دانسته و بیان می‌کند که این معیارهای نسبی صادرات تمرکز بیشتری بر تولید و صادرات کشورهای پیشرفته دارند و کمتر از کشورهای با درآمد کم و متوسط و دارای محصولات کشاورزی صحبت به میان می‌آورند. وی نیز با تعدیل شاخص بالاسا، یک شاخص تکامل یافته بالاسا را معرفی نمود. امروزه از این شاخص در مقالات و گزارش‌های مرتبط به کرات استفاده شده است.

:

بیش از ۳۵ سال قبل بالاسا در مقاله‌ای، معیار مزیت نسبی آشکار شده را برای اولین بار مورد استفاده قرار داد. از آن سال به بعد (۱۹۶۷) معیار مذکور در گزارش‌ها و مقالات متعدد بعنوان معیار اندازه‌گیری تخصص‌گرایی در تجارت بین‌الملل بکار رفت. بالاسا مزیت نسبی آشکار شده را بصورت زیر تعریف کرد:

$$RCA_{ij} = \frac{X_{ij} / X_j}{X_{iw} / X_w} \quad (1)$$

در این فرمول:

X علامت اختصاری صادرات، i مربوط به بخش، j مربوط به کشور و w مربوط به جهان می‌باشد.

صورت کسر درصد سهم یک بخش مفروض در صادرات ملی و مخرج آن درصد سهم یک بخش مفروض را در صادرات جهان منعکس می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت این معیار به بررسی ساختار صادرات ملی در مقابل ساختار صادرات جهان نظر دارد. روند افزایشی این شاخص در طی زمان نشان‌دهنده بهبود موقعیت رقابتی یک کالا در سطح جهان و یا منطقه‌ای خاص در راستای ایجاد فرصت‌های مناسب و یا استفاده به موقع از فرصت‌های پیش‌آمده در سطح جهانی برای کشور مورد نظر تلقی می‌شود. از طرف دیگر نوسانات این معیار نیز می‌تواند درجه ثبات پایین رژیم تجاری یک کشور را نشان دهد. بعلاوه به اعتقاد بالاسا و برخی اقتصاددانان معاصر، شاخص فوق با تکیه بر ساختار موجود

صادرات برای بررسی امکان پیوستن کشورهای جهان به WTO و ارزیابی آثار بلندمدت آزاد سازی تجاری نیز ابزار مناسبی است.<sup>۱</sup>

با توجه به ساختار معیار مزیت نسبی آشکار شده، مقادیر این شاخص همیشه بین صفر و بی نهایت قرار می گیرد. اگر این شاخص در فاصله (۰، ۱) واقع شود گفته می شود که کشور خاص در آن بخش مفروض متخصص نیست و هرگاه در فاصله یک تا بی نهایت قرار گیرد گفته می شود که کشور مذکور دارای تخصص در صدور کالای خاص بوده و به سوی تخصصی شدن تولید حرکت می کند. بنابراین مقادیر شاخص مذکور برای هر کالای صادراتی می تواند وضعیت مزیت نسبی آن کالا را در بازار صادراتی بالفعل نشان دهد.

هزینه منابع داخلی شاخصی است که جهت اندازه گیری مزیت نسبی از دهه ۱۹۷۰ به بعد توسط اقتصاددانان متعددی بکار گرفته شد.

تعاریف مختلفی از هزینه منابع داخلی ارائه شده است که همگی آنها به یک مفهوم از زوایای گوناگون اشاره دارند. در اینجا فقط به یکی از آنها اشاره می شود. ارزش منابع داخلی عبارت است از تولید یک محصول خاص با در نظر گرفتن نهاده های اصلی به قیمت های هزینه فرصت واقعی و ارزش نهاده های واسطه ای به قیمت های جهانی. به تعبیری هزینه منابع داخلی یک معیار سنجش هزینه فرصت منابع داخلی بکار رفته در کسب یا پس انداز یک واحد ارز خارجی برای تولید یک واحد کالا بر حسب پول داخلی در شرایط رقابتی است.<sup>۲</sup> این معیار برای اولین بار توسط برونو (۱۹۶۷) مطرح شد. راه حل اولیه که برونو و کروگر (۱۹۷۲) آن را توسعه دادند استفاده از یک الگوی تعادل عمومی و حل آن به منظور یافتن ضرایب فنی تولید بود. این روش اولاً با الزامات اطلاعاتی دشواری مواجه است، و ثانیاً ضرایب بدست آمده از طریق فوق تنها در سطح بخش قابل حصول است. بدین ترتیب، از یک طرف با کمبود اطلاعات دقیق و به هنگام روبرو بوده و از

1. Balassa, B. (1965).

2. D. Greenaway & C. R. Milner (1993).

طرف دیگر مسئله ارزیابی واحدها آن هم در سطح کالایی مطرح است. لذا استفاده از الگویی که بتواند واحدهای تولیدی را در سطح کالایی به لحاظ کاربرد منابع مورد ارزیابی قرار دهد احساس شد. برای این منظور استفاده از داده‌های حسابداری صنعتی واحدهای اقتصادی راه حل مناسبی است<sup>۱</sup>. این روش توسط گرین‌اوی و میلنر در ماداگاسکار و پرکینز در چین نیز به نوعی استفاده شده است.

برهمن اساس در مقاله حاضر با استفاده از معیار DRC (به روش حسابداری صنعتی) به ارزیابی مزیت نسبی بنگاههای فعال در عرصه تولید پارچه فاستونی در کشور خواهیم پرداخت، تا بنگاههایی که در روند آزادسازی تجاری احتمالاً از آسیب پذیری کمتری برخوردار خواهند بود را شناسایی کنیم.

**متدولوژی اندازه گیری DRC<sup>۲</sup>:** مفهوم هزینه منابع داخلی را می‌توان بصورت هزینه فرصت عوامل داخلی به پول ملی به حاصل ضرب ارزش افزوده جهانی به پول خارجی در نرخ ارز مؤثر تعریف نمود.

در این مفهوم هزینه‌های عوامل داخلی به دو بخش زیر قابل تقسیم است:

(۱) هزینه‌های عوامل اولیه تولید که با استفاده از تعدیلات لازم، منعکس کننده

هزینه‌های فرصت عوامل داخلی خواهند بود:

۱- هزینه‌های مربوط به نیروی کار اعم از دستمزد، حقوق، پاداش‌های مستقیم و

غیرمستقیم؛

۲- هزینه‌های مربوط به سرمایه.

(۲) هزینه‌های غیر تجاری:

شامل انرژی، آب، برق، سوخت، مالیات (به عنوان بهای خدمات دولتی)، اجاره، تعمیرات و نگهداری، بیمه و ... که نه می‌توان آنها را صادر و نه وارد کرد. به همین دلیل است که قیمت‌های داخلی را بعنوان هزینه‌های فرصت برای آنها می‌توان در نظر گرفت.

۱. ( ) .

۲. .

در مخرج کسر DRC ارزش افزوده جهانی یک واحد از کالای مورد نظر قرار دارد که در آن قیمت جهانی محصول عامل تعیین کننده است. برای بکارگیری قیمت می توان برای کالای صادراتی از قیمت F.O.B. و کالای وارداتی از قیمت C.I.F. استفاده نمود. بنابراین نسبت هزینه منابع داخلی، هزینه فرصت عوامل داخلی را برای کسب یک واحد ارزش خارجی در کالای صادراتی و هزینه فرصت عوامل داخلی را برای صرفه جویی یک واحد ارزش خارجی در کالای وارداتی محاسبه می کند.

با کسر بهای خارجی محصول مورد نظر از ارزش اقلام و مواد تجاری مصرف شده در تولید یک واحد کالا (به ارزش خارجی)، ارزش افزوده خالص به ارزش خارجی بدست می آید. این روش محاسبه DRC، به جهت استفاده از اطلاعات به هنگام، استفاده از قیمت های سایه ای در محاسبه هزینه های فرصت عوامل (که موقعیت پیش نگر را مهیا می کند) و استفاده از ضرایب فنی واقعی تولید نسبت به سایر روش ها از قابلیت های بسیاری برخوردار است.

در انطباق با نکات مطرح شده، فرمول DRC را می توان بصورت زیر بیان نمود:

$$DRC_s = \frac{A + M + b.C + e.(A/F).G}{(H - (I/J)K).L}$$

در این رابطه: A: هزینه سربار تولید یک واحد محصول (ریال)؛

M: هزینه های غیر تجاری یک واحد محصول (ریال)؛

b: ضریب تعدیل هزینه دستمزد نیروی کار برای تخمین هزینه فرصت آن (در تحقیق حاضر این ضریب برابر با ۰.۷۵ در نظر گرفته شده است)<sup>۱</sup>؛

C: هزینه دستمزد مستقیم نیروی کار یک واحد محصول (ریال)؛

e: ضریب تعدیل هزینه سرمایه استفاده شده برای تخمین هزینه فرصت آن و یا نرخ سایه ای بهره (در تحقیق حاضر این ضریب برابر با ۰.۲۴ در نظر گرفته شده است)<sup>۲</sup>؛

۱. اله مراد سیف (۱۳۷۹)، ص ۱۰۳.

۲. همان منبع، ص ۱۰۶.

F: هزینه کل سریار تولید یک سال بنگاه تولیدی برای تمام محصولات تولیدی (میلیون ریال)؛

G: ارزش کل سرمایه شرکت (میلیون ریال)؛

H: قیمت جهانی محصول (دلار)؛

I: ارزش مواد مصرفی و کالاهای واسطه‌ای مصرف شده برای یک واحد محصول (ریال)؛

J: ارزش مواد مصرفی و کالاهای واسطه‌ای مصرف شده برای همه محصولات در یک سال (میلیون ریال)؛

K: ارزش کل مواد مصرفی و کالاهای واسطه‌ای مصرف شده سالیانه برای همه محصولات (میلیون ریال)؛

L: نرخ مؤثر ارز؛

S: معرف محصول است.

بدین ترتیب، در صورت کسر DRC هزینه همه عوامل اولیه و نیز اقلام غیر تجاری سنجیده می‌شود و در مقابل در مخرج کسر ارزش افزوده جهانی کالای تولیدی محاسبه خواهد شد.

محاسبه شاخص مزیت نسبی آشکار شده بر اساس آمار منتشره از سوی مرکز تجارت بین الملل (ITC) برای اقلام زیر گروه پارچه فاستونی کشور (جدول ۱) که کشورمان تنها در کدهای ۹۰، ۲۰، ۱۹/۵۱۱۲ بصورت مستمر در سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ صادرات داشته صورت پذیرفته است. آمار صادرات کشور در زیر گروه‌های فوق نیز از سالنامه آمار بازرگانی خارجی استخراج گردیده است.



### جدول ۱- کالاهای مورد بررسی در زیر گروه پارچه فاستونی کشور

شماره تعرفه	کد HS	شرح کالا
۵۱/۱۲		پارچه‌های تارو پود باف از پشم شانه زده یا موی نرم (کرک) شانزده حیوان و دارای حداقل ۸۵ درصد وزنی پشم یا موی نرم (کرک) حیوان
	۵۱۱۲/۱۱	به وزن هر متر مربع حداکثر ۲۰۰ گرم
	۵۱۱۲/۱۹	سایر (به وزن هر متر مربع بیش از ۲۰۰ گرم)
	۵۱۱۲/۲۰	سایر، مخلوط شده عمدتاً یا منحصراً با رشته‌های مصنوعی یا سنتتیک
	۵۱۱۲/۳۰	سایر، مخلوط شده عمدتاً یا منحصراً با الیاف سنتتیک یا مصنوعی
	۵۱۱۲/۹۰	سایر

مأخذ: مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۱، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی

با نگاهی به سالنامه آمار بازرگانی خارجی در خصوص کالاهای جدول بالا مشخص می‌گردد که کشور تنها در سه کد ۹۰، ۲۰، ۱۹/۵۱۱۲ بین سالهای ۸۰-۱۳۷۵ صادرات داشته است. جدول (۲) ارزش صادرات کالاهای فوق را در بین سالهای ۸۰-۱۳۷۵ به همراه کشورهای مقصد نشان می‌دهد.

### جدول ۲- ارزش صادرات پارچه‌های فاستونی ایران به تفکیک کشورهای مقصد

کشورهای مقصد	ارزش صادرات (دلاری)	تعرفه	سال
ترکمنستان	۱۲۷۴۳۰	۵۱۱۲/۹۰	۱۳۷۵
امارات	۳۸۱۶۶۷	۵۱۱۲/۱۹	۱۳۷۶
انگلستان	۱۴۴۸۷	۵۱۱۲/۲۰	
ایتالیا	۷۵۵۷۳	۵۱۱۲/۹۰	
سوریه، کانادا	۱۲۲۳۱	۵۱۱۲/۱۹	۱۳۷۷
انگلستان	۵۴۹۰۴	۵۱۱۲/۲۰	
انگلستان، ترکمنستان، کانادا	۳۷۸۶۶	۵۱۱۲/۱۹	۱۳۷۸
انگلستان	۵۶۸۱۱	۵۱۱۲/۲۰	
عراق	۵۰۳۳۲	۵۱۱۲/۹۰	
ارمنستان، عراق، کویت، ترکمنستان	۴۵۸۰۶	۵۱۱۲/۱۹	۱۳۷۹
انگلستان	۳۷۹۰۲	۵۱۱۲/۲۰	
عراق	۲۸۲۲۰	۵۱۱۲/۱۹	۱۳۸۰
انگلستان	۱۶۷۴۷	۵۱۱۲/۲۰	
عراق	۶۲۵	۵۱۱۲/۹۰	

مأخذ: سالنامه آمار بازرگانی خارجی، گمرک ج.ا. سالهای ۸۰-۱۳۷۵.

چنانچه از جدول (۲) ملاحظه می‌گردد کشور تنها در کد ۵۱۱۲/۹۰ آن هم در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۶ رقم صادراتی قابل ملاحظه‌ای نسبت به بقیه اقلام داشته است و در سال‌های بعد ارزش صادرات در هیچ کدی بیش از ۶۰ هزار دلار نبوده است. ضمن آنکه بازارهای هدف صادراتی به چند کشور محدود است که این امر آسیب پذیری صادرات را افزایش داده است.

جدول (۳) شاخص مزیت نسبی آشکار شده اقلام صادراتی پارچه‌های فاستونی (۸۰-۱۳۷۵) نشان می‌دهد.

جدول ۳- شاخص مزیت نسبی آشکار شده پارچه‌های فاستونی صادراتی ایران

کد HS	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
۵۱۱۲/۱۹	۰	۰/۴۳	۰/۰۱	۰/۰۵	۰/۰۷	۰/۰۴
۵۱۱۲/۲۰	۰	۰/۲۸	۱/۰۵	۰/۹۵	۰/۶۴	۰/۲۲
۵۱۱۲/۹۰	۰/۸۸	۰/۸۲	۰	۰/۶۴	۰	۰/۰۱
جمع کدها	۰/۰۵	۰/۲۵	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۲

مأخذ: محاسبات تحقیق

چنانچه از جدول (۳) مشاهده می‌شود، ایران در سال ۱۳۸۰ در هیچکدام از اقلام مورد بررسی مزیت نسبی صادراتی نداشته است. اگرچه در سالهای ابتدایی در برخی اقلام نظیر پارچه‌های مخلوط شده با رشته‌های سنتتیک سهم صادراتی ایران از روند جهانی آن پیشی گرفته ولی در سالهای پایانی مزیت نسبی خود را از دست داده است. بطور کلی آنچه از جدول فوق ملاحظه می‌گردد آن است که گرایش خاصی به سمت تولید و صدور محصولی خاص در این صنعت مشاهده نمی‌شود و حاکی از صادرات اتفاقی و عدم برنامه‌ریزی شده در سال‌های مورد بررسی بوده است.

این رویکرد غیر مستقیم به اندازه‌گیری مزیت نسبی به دلایلی همچون فقدان شرایط رقابت کامل، استفاده از اطلاعات پس از تجارت و عدم توجه به اطلاعات قبل از تجارت در محاسبه مزیت نسبی و .... فاقد شناسایی توانایی رقابتی می‌باشد. به تعبیری این معیار نمی‌تواند نشان‌دهنده کارایی بالای تولید محصولی باشد. از طرف دیگر در ایران به دلیل

بنکارگیری راهبرد جایگزینی واردات و به تبع آن کنترل‌های شدید دولت در امر صادرات و واردات کالاها و خدمات و.... (در طی دوران مورد بررسی این تحقیق) این شاخص نمی‌تواند به نحو مطلوبی مزیت‌های نسبی واقعی کشور را نشان دهد. لذا تحلیل اثرات آزادسازی بر صنعت مذکور از این روش نتایج گمراه‌کننده‌ای به همراه خواهد داشت.

## DRC

از میان واحدهای تولیدی عضو انجمن صنایع نساجی و همچنین فهرست واحدهای فعال در زمینه فاستونی‌بافی وزارت صنایع، در مجموع بر اساس معیارهای شاخص بودن بنگاه‌های تولیدی، پوشش دوره مورد بررسی تحقیق (۸۰-۱۳۷۵)، تجاری بودن کالای تولیدی در بازار جهانی و داشتن سیستم حسابداری صنعتی، ۱۰ بنگاه جهت ارزیابی DRC برگزیده شدند. ویژگی این بنگاهها در جدول (۴) آمده است.

### جدول ۴- بنگاههای شاخص در تولید پارچه‌های فاستونی

نام کارخانه	فاکتور متمایز کننده از دیگر کارخانجات
مطهری	تولید انواع پارچه‌های طرح دار
جامعه	دارای واحد دوزندگی
ایران مرینوس	تولید در حجم بالا
مقدم	سابقه و اعتبار بالا در بازار
پشمبافی توس	قیمت پایین
والاپوش	قیمت پایین
افشار یزد	از نظر قدمت و کیفیت با سابقه زیاد
وطن	سابقه بالا
ایران برک	دارای واحد دوزندگی
پارس فاستون	سابقه بالا و مارک معروف

به منظور ارزیابی DRC، پرسشنامه‌ای بر اساس اطلاعات مورد نیاز محاسبه شاخص فوق برای همه بنگاه‌های مندرج در جدول (۴) ارسال گردید. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها از

بنگاهها و بررسی اطلاعات تکمیل شده توسط بنگاه‌ها، مشخص شد که تنها ۷ بنگاه اطلاعات صحیح ارائه داده‌اند.

بخش دیگری از اطلاعات که مربوط به قیمت‌های جهانی محصولات و مواد اولیه است از آمارهای منتشره از سوی مرکز تجارت بین‌الملل (ITC) با استفاده از نرم افزار PC/TAS جمع‌آوری شد و در مواردی هم که اطلاعات تفکیکی در نرم افزار فوق موجود نبوده از واحدهای تولیدی و یا از طریق اطلاع از قیمت محصولات مشابه خارجی وارداتی، اطلاعات مورد نظر تهیه شد. لازم به توضیح است که در ارزش‌گذاری اقلام مواد اولیه و واسطه‌ای تجاری و صادراتی توسط کشور، قیمت‌های فوب و برای کالاهای تولیدی جایگزین واردات، قیمت‌های سیف آنها به عنوان قیمت سایه‌ای در نظر گرفته شده است. بررسی پرسشنامه‌های تکمیلی حکایت از تولید تعداد زیادی پارچه توسط بنگاه‌ها داشت ولی هزینه‌ها به تفکیک ارائه نشده بود. از طرف دیگر محصولات تولیدی عموماً همگن بوده و تفاوت چندانی با هم نداشتند، به همین دلیل در ارزیابی هزینه منابع داخلی، محصولات را همگن فرض کرده و در ادامه از آن به عنوان پارچه فاستونی نام برده می‌شود.

در این تحقیق اثر سه نوع نرخ ارز، رسمی، آزاد و سایه‌ای بر روی معیار DRC مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. جدول (۵) اطلاعات مربوط به نرخهای ارز را نشان می‌دهد.

#### جدول ۵ - انواع نرخ ارز در ایران

انواع نرخ	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
نرخ رسمی ارز	۱۷۵۰	۱۷۵۰	۱۷۵۰	۱۷۵۰	۱۷۵۰	۱۷۵۰
نرخ آزاد ارز	۴۴۳۲	۴۸۰۰	۵۲۰۰	۷۸۰۰	۸۰۷۸	۷۹۲۲
نرخ سایه‌ای ارز	۵۱۷۶	۶۰۰۰	۶۸۰۰	۸۰۰۰	۸۱۸۸	۸۰۰۰

مأخذ: نرخ ارز آزاد از نرم افزار PDS منتشره از سوی موسسه عالی پژوهش استخراج شده است.

لازم به یادآوری است که نرخ ارز سایه‌ای از طریق تعدیل نرخ ارز آزاد بدست آمده است؛ بدین ترتیب که با متوسط‌گیری از نرخهای ارز متفاوت نسبت به یک سال پایه که وزن هر پول برابر با وزن کشور مورد نظر در سبد معاملات بین‌المللی ایران است، ضریبی

حاصل می‌گردد که از حاصل ضرب این ضریب در نرخ ارز آزاد، نرخ ارز سایه‌ای بدست می‌آید .

**بررسی روند:** نتایج اندازه‌گیری هزینه منابع داخلی مربوط به بنگاههای منتخب در سه نرخ ارز پیش گفته در جدول (۷) آورده شده است که ذیلاً به توضیح آنها می‌پردازیم. همانطور که در جدول (۷) ملاحظه می‌گردد، محاسبه هزینه منابع داخلی نسبت به سه نوع نرخ ارز صورت گرفته تا جایگاه کالای مورد بررسی را آشکارتر کند. از مقایسه سه ستون آخر این جدول با یکدیگر ملاحظه می‌شود که DRC در حالت ارز رسمی بیشتر از سایر حالت‌ها است که علت آن ارزانی نرخ دلار در مقابل ریال در شرایط نرخ ارز رسمی می‌باشد. برای نمونه در کارخانه مطهری، طی دوره ۸۰-۱۳۷۵ در شرایط نرخ ارز رسمی مقدار DRC حاکی از عدم وجود مزیت نسبی در تولید پارچه فاستونی است. این در حالی است که مقدار DRC در دو حالت ارز آزاد و سایه‌ای کوچکتر از یک بوده و نشان‌دهنده وجود مزیت نسبی در تولید پارچه فاستونی است. دلیل این امر آن است که محاسبه ارزش افزوده جهانی در دو نرخ مذکور باعث به صرفه شدن تولید پارچه فاستونی در کشور می‌شود.

کارخانه جامعه نیز روندی مشابه کارخانه مطهری دارد. بدین صورت که بر اساس نرخ ارز رسمی این واحد فاقد مزیت نسبی تولید بوده ولی بر اساس ارزهای آزاد و سایه‌ای تولید پارچه توسط این بنگاه دارای مزیت نسبی است. افزایش مقدار DRC بر اساس ارزهای آزاد (از ۰/۲۱ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۳۲ در سال ۱۳۸۰) و سایه‌ای (از ۰/۱۸ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۳۱ در سال ۱۳۸۰) حاکی از آن است که این واحد در حال از دست دادن مزیت نسبی در تولید پارچه فاستونی است. لیکن تا رسیدن به مرز عدم مزیت فاصله زیادی دارد. کارخانه مریوس سومین شرکت تولیدکننده پارچه‌های فاستونی است که بر اساس اطلاعات دریافت شده، هزینه منابع داخلی برای آن در دوره مورد نظر قابل ارزیابی بوده

است. چنانچه از جدول (۷) ملاحظه می‌شود این بنگاه نیز در تولید پارچه فاستونی از توان نسبی بالایی برخوردار می‌باشد. علی‌رغم وجود قدرت رقابت‌پذیری بالا در بازارهای داخلی، این بنگاه در حال از دست دادن تخصص خود در تولید پارچه فاستونی است (مقدار DRC از ۰/۱۸ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۳۱ در سال ۱۳۸۰ افزایش یافته است).

کارخانه مقدم چهارمین شرکت مورد بررسی این تحقیق است. همچنانکه از جدول (۷) ملاحظه می‌گردد روند DRC (نرخ ارز رسمی) طی سال‌های مورد بررسی حاکی از آن است که تولید پارچه در این نرخ ارز توسط این بنگاه دارای مزیت نسبی نیست. لیکن ارزیابی شاخص فوق بر مبنای نرخ ارز آزاد و سایه‌ای نشان‌دهنده توان نسبی بالا در تولید پارچه توسط این بنگاه است. اما روند تحولات این شاخص طی سال‌های مورد بررسی (افزایش مقدار DRC از ۰/۳۵ در سال ۱۳۷۵ به ۰/۶۴ در سال ۱۳۸۰) حاکی از کاهش توان نسبی تولید در این بنگاه است.

کارخانه ایران برک نیز از جمله شرکت‌های مورد بررسی جهت ارزیابی هزینه منابع داخلی طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ بوده است. نتایج اندازه‌گیری DRC برای این بنگاه در جدول (۷) آمده است. چنانچه از جدول فوق ملاحظه می‌شود این شرکت حتی بر اساس نرخ رسمی ارز تا سال ۱۳۷۶ از مزیت نسبی بهره‌مند بوده ولی از این سال به بعد این روند معکوس شده و مقدار DRC در سال ۱۳۸۰ برابر با ۲/۵ شده است که نشان‌دهنده عدم مزیت نسبی در تولید پارچه است. بررسی هزینه منابع داخلی بر اساس نرخ ارز آزاد و سایه‌ای برای شرکت فوق اگرچه نشان‌دهنده مزیت نسبی در تولید پارچه بوده ولی به عللی که بعداً بدان اشاره خواهد شد این مزیت در حال کاهش است.

وضعیت کارخانه وطن نیز شبیه به ایران برک است. به عبارت دیگر بر اساس نرخ ارز آزاد و سایه‌ای تولید پارچه فاستونی توسط وطن از مزیت نسبی برخوردار است ولی روند شاخص DRC نشان می‌دهد که این مزیت در حال کاهش است.

مقدار DRC برای کارخانه پارس فاستون در جدول (۷) ارائه شده است. همانگونه که از جدول فوق ملاحظه می‌شود مقدار DRC برای این بنگاه (بر اساس نرخ ارز آزاد و سایه‌ای) حاکی از وجود تخصص در تولید محصول مورد نظر است ولی روند شاخص

نشان‌دهنده کاهش این تخصص‌گرایی است. ولی با وجود این، این شرکت جزء شرکت‌هایی است که در سال ۱۳۸۰ از پایین‌ترین DRC برخوردار بوده که بیانگر توان رقابتی بالاتر در مقایسه با سایر شرکت‌های فعال در این عرصه است.

نتایج دو ستون آخر جدول (۷) حاکی از آن است که در شرایط آزادسازی تجاری و همچنین آزادسازی نرخ ارز آسیب‌چندانی متوجه این کارخانه‌ها در کوتاه‌مدت نخواهد بود (زیرا این بنگاه‌ها تا رسیدن به مرز عدم مزیت فاصله زیادی دارند). حتی با وجود آمدن چنین تحولاتی برخی هزینه‌های اضافی (به دلیل دسترسی آسان به مواد اولیه وارداتی) کاهش یافته و امکان ارائه محصولات مورد بررسی (انواع پارچه) در قیمت‌های پایین‌تر را فراهم می‌سازد (نزدیک شدن به قیمت‌های رقابتی). همچنین این امر موجبات افزایش قدرت رقابت‌پذیری بنگاه را در بازار داخلی فراهم می‌کند. البته لازم به یادآوری است که پایین بودن هزینه منابع داخلی شرط لازم بوده ولی کافی برای بقا در بازار نخواهد بود. زیرا بنگاه‌ها بایستی علاوه بر داشتن مزیت نسبی به امور بازاریابی نیز توجه زیادی نمایند.

**مقایسه رتبه‌ای بنگاه‌ها:** جدول (۸) مقایسه رتبه‌ای شرکت‌های مورد بررسی را طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ نشان می‌دهد. نتایج بررسیها در این خصوص را می‌توان در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱- چنانچه از جدول مذکور ملاحظه می‌گردد شرکت ایران مریوس در میان سایر شرکت‌ها به لحاظ توان رقابتی در رتبه اول واقع شده است. با نگاهی به رتبه‌های حاصله ملاحظه می‌شود که این شرکت طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ از جایگاه رتبه یکسانی برخوردار بوده است. به عبارت دیگر علی‌رغم کاهش تخصص‌گرایی در تولید پارچه فاستونی همه بنگاه‌ها، این شرکت توانسته توان رقابتی خود را در میان سایر شرکت‌ها حفظ نماید.

۲- شرکت پارس فاستون بعد از ایران مریوس در رتبه دوم قرار دارد. رتبه‌های کسب شده توسط این شرکت حاکی از آن است که علی‌رغم افت در رتبه در سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ که در نتیجه افزایش هزینه منابع داخلی (و یا کاهش تخصص‌گرایی) بوده در سال ۱۳۸۰ مجدداً به رتبه سابق خود (رتبه ۲)

بازمی‌گردد. به عبارت بهتر در میان سایر رقبای داخلی این شرکت توانسته توان رقابتی خود را حفظ نماید. شرکت ایران برک چنانچه از جدول (۸) ملاحظه می‌گردد تقریباً از روندی مشابه شرکت پارس فاستون برخوردار بوده است.

۳. سایر شرکت‌های مورد بررسی همانگونه که از جدول (۸) مشاهده می‌شود با افت و خیزهای زیادی در رتبه مواجه بوده‌اند. در این میان شرکت‌های جامعه و مطهری در حال بهبود جایگاه و شرکت‌های مقدم و وطن در حال از دست دادن جایگاه خود در میان سایر رقبا می‌باشند.

**مقایسه بنگاه‌های تولیدکننده پارچه فاستونی:** مقایسه روند عملکرد تولید پارچه فاستونی در کشور توسط هفت بنگاه مورد بررسی حاکی از آن است که همگی بنگاه‌ها علی‌رغم داشتن مزیت نسبی در تولید محصول فوق‌الذکر در حال از دست دادن آن می‌باشند. نتایج جدول (۷) را می‌توان با استفاده از دو شاخص متوسط شرکت و ضریب ثبات (ضریب تغییرات پایین تر) مورد ارزیابی قرار داد (جدول ۸).

بر مبنای میانگین DRC برای هر شرکت طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵، ایران مریوس به جهت داشتن حداقل DRC در بین شرکت‌ها از بالاترین قدرت رقابت‌پذیری (در بازار داخلی) برخوردار است. در مرتبه دوم شرکت پارس فاستون قرار دارد. شرکت‌های ایران برک، وطن، مقدم، جامعه و مطهری بر اساس شاخص فوق در رتبه‌های سوم تا هفتم واقع شده‌اند.

شاخص دیگری که می‌توان بر اساس آن روند فعالیت‌های شرکت‌های بررسی شده در این تحقیق را در مقایسه با هم ارزیابی نمود ضریب ثبات روند DRC است (ضریب تغییرات بالاتر نشان‌دهنده بی‌ثباتی بیشتر است). از این حیث ایران مریوس دارای رتبه اول و شرکت‌های جامعه، مطهری، پارس فاستون، مقدم، وطن و ایران برک به ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

بطور کلی نتایج حاصل از اندازه‌گیری هزینه منابع داخلی واحدهای منتخب بر اساس نرخ ارز سایه‌ای حاکی از آن است که تمامی بنگاه‌های تولیدکننده پارچه فاستونی در تولید



این محصول تخصص دارند لیکن تخصص‌گرایی این بنگاه‌ها در طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵ در حال کاهش است. در این میان شرکت ایران مریئوس به جهت برخورداری از قدرت رقابت‌پذیری بالاتر و ثبات در روند DRC از وضعیت مطلوبتری نسبت به سایر شرکتها برخوردار است.

در این قسمت از بحث سعی خواهد شد به برخی منابع تغییر در هزینه منابع داخلی بنگاه‌ها که از طریق افزایش قیمت، توان رقابتی آنها را کاهش داده، اشاره شود.

:

همانطور که از جدول (۱۰) ملاحظه می‌شود قیمت (یک متر مربع) پارچه از ۱۰ دلار در سال ۱۳۷۵ به ۶/۵۵ دلار در سال ۱۳۸۰ کاهش یافته است. با دقت در جدول فوق درمی‌یابیم که از سال ۱۳۷۵ همراه با کاهش قیمت جهانی محصول، قیمت مواد اولیه نیز تا سال ۱۳۷۹ در حال کاهش بوده ولی در سال ۱۳۸۰ قیمت مواد اولیه با افزایش مواجه شد حتی در مورد تاپس پشم و نخ پشم و پلی استر قیمت آنها از سال ۱۳۷۵ نیز فراتر رفته است. کاهش قیمت مواد اولیه نیز نتوانسته کاهش ارزش افزوده جهانی تولید پارچه (مخرج کسر DRC) را جبران نماید.

:

همانگونه که از جدول (۱۱) مشاهده می‌شود نسبت هزینه مواد مستقیم و کالاهای واسطه‌ای مصرف نشده به کل هزینه‌ها (قیمت تمام شده) تقریباً ۴۵ درصد می‌باشد. به عبارت دیگر هزینه خط تولید (با احتساب سایر هزینه‌ها) به بیش از ۵۰ درصد قیمت تمام شده می‌رسد. لذا در مقایسه با شرکتهای بزرگ که هزینه خط تولید نسبت به قیمت تمام شده بسیار کمی دارند، فاصله بسیار زیادی داریم این شرکتها با بین‌المللی کردن تولید خود و استفاده از فن‌آوری پیشرفته و نیروی انسانی ماهر هزینه‌های خود را کاهش داده‌اند. در

حالی که در صنعت فاستونی ایران از آنجا که مقیاس تولید در سطح بین‌المللی نمی‌باشد، هزینه‌های سربار سرانه نسبت به آنها بالاتر است. هزینه دستمزد مستقیم از سال ۱۳۷۶ روندی صعودی داشته و در نهایت در سال ۱۳۸۰ به ۱۹ درصد قیمت تمام شده رسیده است که با توجه به بهره‌وری پایین نیروی انسانی درصد بالایی می‌باشد. هزینه سربار تولید که شامل مواد و دستمزد غیرمستقیم، اجاره، بیمه، عوارض، استهلاک، تعمیرات و نگهداری، روشنایی، حرارت، ابزارآلات مصرفی و سربار متفرقه کارخانه می‌باشد از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۷۹ روند نزولی داشته لیکن در سال ۱۳۸۰ مقدار آن افزایش یافته و به ۲۵/۷ درصد قیمت تمام شده رسیده است.

افزایش هزینه‌های تولید پارچه فاستونی با به اجرا درآمدن قانون تجمیع عوارض تشدید می‌گردد، چرا که در مورد این گونه صنایع تولیدی که بخشی از مواد اولیه مورد نیاز خود را از خارج از کشور تهیه می‌کنند، علاوه بر سود بازرگانی، حقوق بازرگانی معادل ۴ درصد (در این قانون) در نظر گرفته شده است (جدول ۱۲). علاوه بر موارد فوق، از کالاهای وارداتی توسط سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان عوارضی بصورت مابه‌التفاوت ورود کالا از تولیدکنندگان دریافت می‌شود. چنانچه از جدول (۱۳) ملاحظه می‌گردد بابت هر کیلو تاپس پلی استر ۵۰۰ ریال و از نخ ۲۰۰ ریال اخذ می‌شود. این مبالغ مستقیماً هزینه‌های مواد اولیه بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد.

)

:(

در بخش تحلیل نتایج بویژه در مقایسه بنگاه‌ها فرض بر این بود که همه بنگاه‌ها در تهیه نرخ ارز برای خرید ماشین‌آلات خود از شرایط یکسانی برخوردارند. اما اگر فرض برداشته شود چه تغییری در محاسبه DRC اتفاق خواهد افتاد. در این بخش به این مسئله پرداخته شده است.

در بیان متدولوژی اندازه‌گیری هزینه منابع داخلی، هزینه سربار سرانه (A) به عنوان یکی از اجزاء صورت کسر DRC آورده شده است. هزینه استهلاک ماشین‌آلات واحدهای تولیدی (این هزینه درصدی از ارزش ماشین‌آلات است که سالیانه محاسبه و در حساب ذخیره استهلاک منظور می‌گردد) نیز با درج در هزینه سربار بنگاه‌ها مقدار DRC را تحت تاثیر قرار می‌دهد. ارزش ماشین‌آلات بر اساس سال پایه (سال خرید) و همچنین نرخ ارز دریافتی برای خرید، ارزیابی و در حساب‌ها نگهداری می‌شود. ماشین‌آلات مورد استفاده در اکثر صنایع یا عمر طولانی دارند (با نرخهای پایین ارز ارزش گذاری شده‌اند) و یا با ارزهای یارانه‌ای خریداری و ارزش گذاری شده‌اند. به عبارت دیگر ارزش واقعی ماشین‌آلات در حساب مربوطه نگهداری نمی‌شود. این امر سبب می‌شود که استهلاک ماشین‌آلات به میزان واقعی در هزینه‌ها منظور نگردد. در چنین شرایطی به لحاظ آنکه هزینه سربار سرانه کمتر از حد برآورد شده باعث می‌گردد که مقدار DRC به سمت پایین انحراف داشته و ارزیابی درستی از هزینه منابع داخلی ارائه ندهد. لازم به یاد آوری است، بنگاههایی که ارزش ماشین‌آلات خود را بر اساس نرخ ارز آزاد ارزش گذاری نموده‌اند این اشکال برای آنها وارد نیست. البته وجود خدمات دولتی نظیر برق، آب، سوخت و ... (به دلیل پرداخت یارانه از طرف دولت به آنها) نیز همین مشکل را در ارزیابی DRC پدید می‌آورد ولی اولاً به دلیل ناچیز بودن سهم این گونه هزینه‌ها و ثانیاً به جهت آنکه همه بنگاهها از چنین خدماتی کم و بیش مساوی استفاده می‌کنند، مقایسه بنگاهها با هم را دچار خدشه نخواهد کرد. این در حالی است که در دریافت ارز همه بنگاهها از موقعیت‌های برابر برخوردار نیستند.

بنابراین لازم است جهت برخوردی نزدیک به واقعیت در محاسبه هزینه منابع داخلی، تعدیلات لازم در ارزش گذاری واقعی ماشین‌آلات بنگاه‌ها صورت گیرد تا هزینه استهلاک بصورت واقعی در هزینه سربار تولید منظور شود.

در عمل محاسبه هزینه منابع داخلی با استفاده از روش جدید کار چندان ساده‌ای نیست. زیرا ارزیابی هزینه استهلاک بر اساس نرخ ارز آزاد به دلیل عدم وجود چنین حسابی در دفاتر حسابداری کار بسیار دشواری است. بنابراین انجام این تعدیل نیازمند دسترسی به ارزهای دریافتی توسط بنگاه‌ها برای خرید ماشین‌آلات خود است و یا بنگاه‌ها خود به هر دلیلی اقدام به این کار نمایند.

یکی از بنگاه‌های مورد بررسی این تحقیق (به عللی که چندان مرتبط با این تحقیق نیست) با تعدیل ارزش ماشین‌آلات به نرخ ارز آزاد و محاسبه هزینه استهلاک، این امکان را برای ما فراهم آورد تا بتوانیم مقدار DRC را بر اساس تعدیل پیش گفته ارزیابی نماییم (به جهت رعایت امانت‌داری از ذکر نام این کارخانه خودداری می‌شود).

جدول (۱۴) هزینه منابع داخلی تعدیل شده در یکی از کارخانه‌ها را برای سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ نشان می‌دهد. بر اساس ارقام مندرج در این جدول مقدار DRC به قیمت سایه‌ای ارز در سال ۱۳۸۰ معادل ۰/۸۶ بدست آمده است (حداکثر DRC برای شرکت‌های مورد بررسی از روش قبلی ۰/۶۴ بوده است) که حاکی از افزایش هزینه‌های تولید (ناشی از افزایش هزینه سربار تولید) و بر اساس آن کاهش مزیت نسبی تولید پارچه فاستونی در بنگاه مورد نظر است. در واقع مفهوم این افزایش آن است که بنگاه مورد نظر به دلیل دستیابی به ارز یارانه‌ای توانسته در تولید پارچه‌های فاستونی از مزیت نسبی تولید برخوردار گردد، با وجود این چنانچه از جدول (۷) ملاحظه شد به دلیل عدم کارایی در بنگاه این مزیت نیز در حال از دست رفتن است.

به منظور برآورد شاخص هزینه منابع داخلی همین بنگاه در سال ۱۳۸۱ و مقایسه آن با ۱۳۸۰ فرض شد ساختار هزینه بنگاه در دو سال متوالی فوق تغییر محسوسی نداشته و همچنین با کسب اطلاع از سایر متغیرها، DRC برای سال ۱۳۸۱ نیز محاسبه گردید. مقایسه هزینه منابع داخلی سال ۱۳۸۱ نسبت به سال قبل خود نشان می‌دهد که در این سال کارخانه مذکور مزیت نسبی خود را از دست داده است.

روند شاخص هزینه منابع داخلی تعدیل شده برای بنگاه مورد نظر حاکی از آن است که در صورت ادامه روند موجود و اجرای سیاست آزادسازی تجاری و آزادسازی نرخ ارز (عدم دسترسی بنگاه به ارز یارانه‌ای) چنانچه بنگاه نیاز به تهیه ماشین‌آلات جدید داشته باشد، این بنگاه امکان رقابت با رقبای خارجی و یا حتی داخلی را نخواهد داشت.

نتایج بررسی‌های انجام شده در مورد اندازه‌گیری مزیت نسبی پارچه فاستونی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

۱. پارچه فاستونی صادراتی با کد ۵۱۱۲/۲۰ تنها در سال ۱۳۷۷ دارای مزیت نسبی صادراتی بوده که دلیل آن افزایش یکباره صادرات این محصول در سال فوق است و کاهش صادرات آن در سال‌های بعد نشان از تصادفی بودن آن است. این امر نشان‌دهنده سهم پایین کشور از صادرات جهانی است.
۲. نتایج حاصل از محاسبه هزینه منابع داخلی بر مبنای نرخ رسمی ارز نشان می‌دهد که بنگاه‌های تولیدکننده پارچه فاستونی بجز یکی دو سال ابتدایی (۱۳۷۵ و ۱۳۷۶) در باقی سال‌ها از مزیت نسبی برخوردار نبوده‌اند. به عبارت دیگر قیمت تمام شده یک متر پارچه فاستونی طبق نرخ ارز رسمی در دوره مورد بررسی این تحقیق از قیمت جهانی آن فراتر رفته و در چنین شرایطی تولید پارچه توسط این بنگاه‌ها مقرون به صرفه نیست. بررسی‌های انجام شده بر اساس هزینه منابع داخلی بر مبنای نرخ ارز آزاد و سایه‌ای حاکی از آن است که تمامی بنگاه‌ها در تولید این محصولات از تخصص لازم برخوردارند. ولی روند تحولات DRC (نرخ ارز آزاد و سایه‌ای) طی دوره نشان از کاهش تخصص‌گرایی بنگاه‌ها در تولید پارچه فاستونی است.
۳. رتبه‌بندی بنگاه‌ها از حیث میانگین DRC (به شرط داشتن وضعیت یکسان در تهیه ارز برای خرید ماشین‌آلات خود) حاکی از آن است که شرکت ایران

مرینوس در میان سایر شرکت‌ها از وضعیت مطلوبتری برخوردار است. شرکت مطهری در رتبه آخر از این حیث قرار گرفته است.

۴. برخی از دلایل کاهش تخصص‌گرایی این بنگاه‌ها را می‌توان به مواردی نظیر کاهش قیمت جهانی پارچه فاستونی، افزایش هزینه‌های تولید از بابت افزایش سالیانه خدمات دولتی (آب، برق، گاز، سوخت و ...)، افزایش دستمزد کارگران بدون افزایش در بهره‌وری آنها، وجود عوارض متعدد و ... نسبت داد.

۵. با توجه به اینکه ارزش‌گذاری ماشین‌آلات در بنگاه‌ها، بر اساس نرخ‌های ارز متفاوت (ترکیبی از آزاد و یارانه‌ای) انجام می‌گیرد (با ذکر این نکته که توزیع تسهیلات مربوط به ارز یارانه‌ای برای همه بنگاه‌ها یکسان نیست)، هزینه استهلاک محاسبه شده بر مبنای این ارزش مقدار واقعی را ارائه نمی‌دهد و لازم است در ارزیابی DRC مقدار هزینه استهلاک بر اساس نرخ ارز آزاد تعدیل گردد.

۶. در عمل انجام چنین تعدیلی مشکل است. به همین خاطر ارزیابی مقدار DRC بر اساس تعدیل انجام شده در هزینه استهلاک برای یکی از کارخانجات صورت گرفته که نتایج حاصله نشان می‌دهد که بنگاه مورد بررسی نسبت به قبل به شدت افت در مزیت نسبی داشته است، لیکن تا سال ۱۳۸۰ مزیت نسبی خود را از دست نداده است. ارزیابی هزینه منابع داخلی برای سال ۱۳۸۱ (با فرض عدم افزایش هزینه‌ها نسبت به سال ۱۳۸۰) برای بنگاه مفروض نشان می‌دهد که کارخانه مورد بررسی مزیت نسبی خود را از دست داده است.

۷. با ارزیابی DRC برای سال ۱۳۸۱ بر اساس روش قبلی به احتمال قوی تولید پارچه در کشور توسط بنگاه‌های مورد بررسی دارای مزیت نسبی خواهد بود. ولی با تعدیل هزینه استهلاک، تولید در بنگاه‌های فوق یا به عدم مزیت رسیده و یا در مرز عدم مزیت قرار خواهد داشت (چنانچه برای یکی از بنگاه‌ها این اتفاق رخ دهد).

۸. ارزیابی DRC بر اساس نرخ ارز سایه‌ای (بدون تعدیل هزینه استهلاک) حاکی از عدم آسیب‌های جدی در کوتاه‌مدت بر روی این بنگاه‌ها است. اما در بلندمدت در صورت ادامه روند موجود توسط بنگاه‌ها، اجرای سیاست آزادسازی تجاری و آزادسازی نرخ ارز این بنگاه‌ها را دچار مشکل خواهد کرد. لیکن مصونیت بنگاه‌ها در کوتاه‌مدت همانگونه که ملاحظه گردید به دلیل استفاده از ارز یارانه‌ای است. بطوری که با تعدیل هزینه استهلاک بر اساس ارز آزاد در ارزیابی هزینه منابع داخلی به سرعت بنگاه‌ها (بنگاه مشابهی که این تعدیل برای آن صورت گرفت) مزیت نسبی خود را از دست داده و در کوتاه‌مدت چنانچه نیاز به نوسازی ماشین‌آلات خود داشته باشند، هزینه‌های بالا اجازه رقابت با رقیبان داخلی را نیز از آنها نخواهد گرفت.

با عنایت به اینکه هزینه منابع داخلی یکی از ابزارهای مهم تعیین جهت‌گیری حمایت‌ها از واحدهای تولیدی می‌باشد، لازم است دولت در قالب برنامه‌های زمانبندی شده از کاهش توان رقابتی بنگاه‌های مورد بررسی از طریق کمک به راه‌اندازی و فعال‌سازی واحدهای تحقیق و خدمات بازاریابی و ... جلوگیری نماید. از سوی دیگر به جهت نقش و اهمیت مزیت‌های نسبی در طراحی راهبردهای توسعه صنعتی، توصیه می‌شود واحدهایی که به جهت تولید از مزیت نسبی برخوردارند در این برنامه‌ها از توجه ویژه‌ای بهره‌مند گردند.

جدول ۷- مقدار هزینه منابع داخلی بنگاه‌های منتخب طی سال‌های ۸۰-۱۳۷۵

ارز سایه‌ای	ارز آزاد	ارز رسمی	سال	بنگاه‌ها
۰/۴۲	۰/۵۲	۱/۴۴	۱۳۷۶	مطهری
۰/۵۱	۰/۶۷	۱/۹۹	۱۳۷۷	
۰/۳۴	۰/۳۵	۱/۵۴	۱۳۷۸	
۰/۳۸	۰/۳۹	۱/۷۸	۱۳۷۹	
۰/۶۲	۰/۶۳	۲/۸۵	۱۳۸۰	
۱۰/۲۳	۴/۹۱	۱۸/۶۱	نرخ رشد	
۰/۳۶	۰/۴۲	۱/۰۷	۱۳۷۵	
۰/۳۳	۰/۴۲	۱/۱۴	۱۳۷۶	
۰/۴۵	۰/۵۹	۱/۷۵	۱۳۷۷	

۰/۳۴	۰/۳۵	۱/۵۴	۱۳۷۸	جامعه
۰/۴۶	۰/۴۷	۲/۱۷	۱۳۷۹	
۰/۵۶	۰/۵۷	۲/۵۷	۱۳۸۰	
۹/۲۴	۶/۳۰	۱۹/۱۵	نرخ رشد	ایران مریئوس
۰/۱۸	۰/۲۱	۰/۵۳	۱۳۷۵	
۰/۲۱	۰/۲۶	۰/۷۲	۱۳۷۶	
۰/۲۹	۰/۳۸	۱/۱۴	۱۳۷۷	
۰/۲۴	۰/۲۴	۱/۰۸	۱۳۷۸	
۰/۳۰	۰/۳	۱/۴۱	۱۳۷۹	
۰/۳۱	۰/۳۲	۱/۴۴	۱۳۸۰	
۱۱/۴۹	۸/۷۹	۲۲/۱۳	نرخ رشد	

## ادامه جدول ۷

ارز سایه‌ای	ارز آزاد	ارز رسمی	سال	بنگاهها
۰/۳۵	۰/۴۱	۱/۰۳	۱۳۷۵	مقدم
۰/۳۳	۰/۴۱	۱/۱۳	۱۳۷۶	
۰/۴	۰/۵۲	۱/۵۵	۱۳۷۷	
۰/۳۱	۰/۳۲	۱/۴۳	۱۳۷۸	
۰/۴۹	۰/۵۰	۲/۳۰	۱۳۷۹	
۰/۶۴	۰/۶۵	۲/۹۵	۱۳۸۰	
۱۲/۸۳	۹/۶۵	۲۳/۴۲	نرخ رشد	
۰/۲۳	۰/۲۷	۰/۶۸	۱۳۷۵	ایران برک
۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۸۱	۱۳۷۶	
۰/۴۲	۰/۵۵	۱/۶۴	۱۳۷۷	
۰/۲۸	۰/۲۹	۱/۲۹	۱۳۷۸	
۰/۴۴	۰/۴۵	۲/۰۷	۱۳۷۹	
۰/۵۵	۰/۵۵	۲/۵۰	۱۳۸۰	
۱۹/۰۵	۱۵/۲۹	۲۹/۷۴	نرخ رشد	
۰/۲۷	۰/۳۲	۰/۸۱	۱۳۷۵	وطن
۰/۲۴	۰/۳۰	۰/۸۴	۱۳۷۶	
۰/۴۳	۰/۵۶	۱/۶۸	۱۳۷۷	
۰/۳۰	۰/۳۱	۱/۳۷	۱۳۷۸	
۰/۳۹	۰/۴	۱/۸۴	۱۳۷۹	
۰/۵۷	۰/۵۸	۲/۶۱	۱۳۸۰	
۱۲/۱۶	۱۲/۶۳	۲۶/۳۷	نرخ رشد	
۰/۲۲	۰/۲۶	۰/۶۵	۱۳۷۵	



٠/٢٢	٠/٢٧	٠/٧٥	١٣٧٦	پارس فاستون
٠/٣٧	٠/٤٩	١/٤٤	١٣٧٧	
٠/٣٠	٠/٣١	١/٣٩	١٣٧٨	
٠/٤٢	٠/٤٢	١/٩٥	١٣٧٩	
٠/٤٠	٠/٤١	١/٨٤	١٣٨٠	
١٢/٧٠	٩/٥٤	٢٣/١٣	نرخ رشد	

مأخذ: محاسبات تحقيق

جدول ۸- ارزش رتبه‌ای DRC بنگاههای منتخب (بر اساس نرخ ارز سایه‌ای)

ارزش رتبه‌ای						بنگاهها	ردیف
۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵		
۱	۱	۱	۱	۱	۱	ایران مریئوس	۱
۲	۴	۳	۲	۲	۲	پارس فاستون	۲
۳	۵	۲	۴	۳	۳	ایران برک	۳
۵	۳	۴	۵	۴	۴	وطن	۴
۷	۷	۵	۳	۵	۵	مقدم	۵
۶	۲	۷	۷	۶	-	مطهری	۶
۴	۶	۶	۶	۷	۶	جامعه	۷

مأخذ: محاسبه شده از جدول (۷)

جدول ۹- مقدار DRC بنگاههای منتخب طی سالهای ۸۰-۱۳۷۵ (بر مبنای نرخ سایه‌ای ارز)

رتبه بر اساس ضریب تغییرات	ضریب تغییرات	رتبه بر اساس میانگین	میانگین دوره	بنگاهها
۱	۲۰/۸۶	۱	۰/۲۶	ایران مریئوس
۲	۲۱/۵۰	۶	۰/۴۲	جامعه
۳	۲۴/۷۰	۷	۰/۴۵	مطهری
۴	۲۷/۵۶	۲	۰/۳۲	پارس فاستون
۵	۲۹/۸۹	۵	۰/۴۲	مقدم
۶	۳۳/۵۷	۴	۰/۳۷	وطن
۷	۳۵/۹۶	۳	۰/۳۶	ایران برک

مأخذ: جدول (۷)

جدول ۱۰- قیمت جهانی پارچه فاستونی و مواد اولیه آن

۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	عنوان
۶/۵۵	۶/۹۵	۸/۷۰	۷/۸۴	۹/۸	۱۰	پارچه فاستونی (متر مربع)
۶/۸۵	۴/۴۵	۴/۸۱	۶/۱۱	۶/۵۱	۶/۴۸	تاپس پشم (کیلوگرم)
۱/۳۱	۱/۲۷	۱/۶۸	۱/۷۰	۱/۸۰	۱/۹۶	تاپس پلی استر (کیلوگرم)
۷/۷۸	۷/۳۱	۷/۱۴	۸/۶۴	۸/۲۹	۷/۴۰	نخ / پلی استر (کیلوگرم)

مأخذ: نرم افزار (PC/TAS، ITC، 2001 و 2002)

**جدول ۱۱- متوسط (هفت بنگاه) نسبت هزینه‌های تفکیک شده به کل هزینه‌ها به درصد**

عنوان	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰
هزینه مواد مستقیم و کالاهای واسطه‌ای مصرف شده	۴۵	۴۴/۹	۴۰/۲	۴۳/۴	۴۶/۲	۴۵
هزینه دستمزد مستقیم	۱۸	۱۷/۱	۱۸/۳	۱۸	۱۹	۱۹
هزینه سربار تولید	۲۵	۲۸	۲۶/۱	۲۴/۶	۲۲/۴	۲۵/۷
سایر هزینه‌های سربار (اداری و فروش)	۱۲	۱۰	۱۵/۴	۱۴	۱۲/۴	۱۰/۳

مأخذ: مستخرج از پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط بنگاه‌ها.

**جدول ۱۲- حقوق ورودی تاپس و نخ**

شماره تعرفه	شرح کالا	حقوق ورودی	
		حقوق پایه	سود بازرگانی
۵۱۰۵/۲۹	تاپس پشم	۴	-
۵۵۰۱/۲۰	تاپس پلی استر	۴	۱
۵۱۰۷/۲۰	نخ از پشم شانه زده	۴	۲۱

مأخذ: مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۸۱، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

**جدول ۱۳- مبلغ مابه‌التفاوت کالاهای وارداتی پرداختی به سازمان حمایت از**

**مصرف کنندگان و تولید کنندگان**

شرح کالا	واحد	مبلغ مابه‌التفاوت (ریال)
نخ ۱۰۰ درصد پشم و نخ مخلوط پشم و پلی استر	کیلوگرم	۲۰۰
تاپس پلی استر	کیلوگرم	۵۰۰

مأخذ: مرکز اطلاعات فنی ایران، قوانین و بخشنامه‌ها - صادرات و واردات، ۱۳۸۱.

**جدول ۱۴- مقدار DRC تعدیلی برای یک بنگاه خاص در سال‌های ۸۱ و ۱۳۸۰ بر اساس نرخ**

**ارز سایه‌ای**

/	/	

مأخذ: محاسبات تحقیق

۱. اخوی، احمد (۱۳۷۳)؛ تجارت بین‌الملل، استراتژی بازرگانی و توسعه اقتصادی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۲. توکلی، اکبر (۱۳۷۹)؛ اندازه‌گیری مزیت‌های نسبی بالقوه فعالیت‌های صنعتی در ایران از روش هزینه منابع داخلی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
۳. توکلی، اکبر و اله مراد سیف (۱۳۷۹)؛ "معیار هزینه منابع داخلی و کاربرد آن در صنایع منتخب کشور"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۶، صص ۱-۲۵.
۴. رحیم‌زاده، حسن (۱۳۷۷)؛ بررسی مزیت نسبی صنایع کارخانه‌ای ایران بر اساس هزینه منابع داخلی و مزیت نسبی آشکارشده، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. رحیمی‌الماسی، فرشته (۱۳۸۲)؛ بررسی اثرات جهانی شدن اقتصاد بر صنعت فاستونی ایران، رساله کارشناسی ارشد، دانشگاه امیر کبیر.
۶. ولی بیگی، حسن (۱۳۸۱)؛ "اندازه‌گیری مزیت‌های نسبی صادرات قطعات خودرو ایران با استفاده از روش هزینه منابع داخلی"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۳، صص ۷۳-۹۷.
۷. سالنامه آمار بازرگانی خارجی، گمرک جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف.

8. Keld Laursen (1998); "Revealed Comparative Advantage and Alternative as measures of International Specialization", **DRUID working paper**.
9. Balassa, B. (1965); **Trade Liberalization and Revealed Comparative Advantage**, The Manchester School of Economic & Social Studies.
10. Greenaway, D. & Milner, C. (1993); **Trade and Industrial policy in developing countries**, London: the MacMillan press.
11. Perkins, F.C. (1995); "Export Performance & Enterprise Reform in China, Coastal Provinces", **Economic Development and Cultural Change**, pp.501-539